

## انتخابات شورای ملی بایدها و امیدها

عبدالخالق کریمی

### مقدمه

انتخابات یکی از مهمترین، جلوه‌های زندگی سیاسی انسان معاصر را تشکیل می‌دهد. در واقع زندگی سیاسی شهروندان در عصر جدید غالباً در انتخابات خلاصه می‌شود. و مشارکت انتخاباتی جایگاه ارزش‌مندی دارد. و انتخابات محور اصلی فعالیت‌های گروه‌های سیاسی مختلف است. علاوه بر این «مشارکت انتخاباتی»، انتخابات یک هدف نیست. بلکه یک روش است. در جوامع مدعی دموکراسی که به جای شخص، شخصیت‌ها اعتبار دارند، رقابت‌های انتخاباتی، رقابت در برنامه‌ها از طریق سکوی تشکیلاتی (احزاب) و یا جایگاه نقد و نظر افراد و شخصیت‌های جوامع می‌باشد، انتخابات حق مردم در اعلام آراء برای تأیید یا رد و تشخیص اولویت در انتخابات آزادانه می‌باشد. حقی که با اعلام آراء و انتخاب شخصیت‌ها و برنامه‌های مورد نظر مردم، در اداره‌ی حکومت.

در چنین انتخاباتی در جامعه توسعه یافته سیاسی، به جای شخصیت‌سوزی، شخصیت‌سازی می‌گردد و از این طریق ضریب امنیت روانی جامعه ارتقاء و رشد می‌یابد، مردم به قدرت و قوت اداره میهن اطمینان بالاتر و وسیع‌تری می‌یابند. چگونگی هر انتخاباتی نمودار توسعه سیاسی و رشد شخصیت سیاسی جوامع است. روشن‌تر بنویسم، هر انتخاباتی در جوامع دارای توسعه‌ی سیاسی، عرصه ارائه برنامه‌ها و نقد زمان حال و نیازهای آن برای آینده‌ی به لحاظ زمانی محدود (دو یا چهار سال و...) است. در چنین جوامعی، به جای آنکه خود انتخابات هدف قرار گیرد، وسیله و ابزار رشد دموکراسی می‌باشد تا از میان شخصیت‌ها، برنامه‌ها و تشکل‌های شفاف (احزاب) گزینه‌های بهتر و مطلوب‌تری صحنه‌گردان سیاست و سیاست‌مداری (تدبیر امور جامعه) گردند. در کشورهایی که هنوز توسعه سیاسی، حرف است، نه باور و اقدام، انتخابات هدف قرار می‌گیرد و اشخاص معیار برای تأیید یا تکذیب، در چنین جوامعی بعد از هدف شدن انتخابات، بدون کمترین فاصله‌ای «عنوان انتخابات» برنامه می‌گردد، برنامه‌ای برای تقابل اشخاص با یکدیگر و آنچه که در بازی سیاست «نبرد قدرت»، در آن حال مهم به نظرشان می‌رسد اینست که هر وسیله‌ای را برای رسیدن به هدف مباح می‌گرداند و سیاست بازی حذفی به هر طریقی رواج می‌یابد و افراد مدعی به صرف قدرت تبلیغاتی بالاتر و استفاده از امکانات بیشتر، به حذف رقیب اقدام می‌کند، و این عامل مهم شکست یک نظام کارا و توانمند، چه در حیطه‌ی اجرایی یا قانونگذاری می‌باشد.

از این رو نماینده‌ای که از این آشفته بازار رای بالایی را کسب کرده، در فکر حل مشکلات مردمی که به او رای داده‌اند، نمی‌باشد.

ما در این مقاله بعد از ذکر اساسات انتخابات، به ذکر «بایدهایی» پرداخته‌ایم که می‌تواند مبین انتخاباتی کارآمد، مقبول و تضمین‌کننده‌ی خواست‌ها و آمال مردمی باشد که با هزاران امید به پای صندوق‌های رای، آمده تا نمایندگان خود را انتخاب کنند و

تا حدودی هم با مشارکت و همکاری دولت و مردم، از هدف شدن انتخابات جلوگیری به عمل آورد.

البته انجام مواردی از این «بایدها» مستقیماً به مردم برمیگردد، و مواردی دیگر را دولت یا متصدیان امر انتخابات باید انجام دهند. در این نوشتار، به هر دو نوع آنها اشاره می‌گردد.

### اساسات انتخابات

آنچه در مقوله‌ی انتخابات مهم به نظر می‌رسد، این است که هر نظام چه اسلامی یا غیر اسلامی، مبتنی بر یک سری اساسات و اصولی بنا گردیده که منشأ و مبنای قانون اساسی آن کشور و نظام می‌باشد.

در نظام جمهوری اسلامی افغانستان که قانون اساسی آن مبتنی بر اساسات اسلام می‌باشد، این نکات مد نظر قرار می‌گیرد:

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است، که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی «حرکت به سوی الله» بگشاید. لذا دموکراسی یک روش برای اجرای فرامین و اساسات اسلام می‌باشد.

ملاک خوب انجام شدن انتخابات، باید با معیار تحقق ارزش‌های اسلامی اندازگیری شده و در واقع جهت پیدا کند. همان‌گونه که در قانون اساسی به آن اشاره گردیده است.

### مجلس شورای ملی

در اسلام مشورت و تدبیر امور، بسیار توصیه شده است: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْزُحُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (شوری/ ۳۸) و بر این اساس امور مهم مملکتی و اداره امور مهم حکومت جامعه اسلامی، وضع قوانین و نظارت بر اجرای صحیح قوانین مصوب و قانون اساسی، در راستای حکومت مردم بر مردم، و از طریق انتخابات برگزیده می‌شوند که اهم کارکردهای آن عبارتند از:

وضع قوانین: با توجه به منابع حقوق و قانون اساسی در هر کشور به وضع و تصویب قوانین جزائی می‌پردازد. مجلس شورای ملی برای تنظیم امورات اجتماعی مردم، قانون وضع می‌کند و این قانون پس از تصویب اعضاء، یا توشیح رئیس دولت برای اجرا آماده می‌شود.

نظارت بر قوای مجریه: از آنجایی که هیأت دولت تمام ارکان و نیروهای اجرایی را تحت اختیار دارد، مجلس شورای ملی این حق را دارد که بر اعمال قوای مجریه نظارت کرده و قوای مجریه هم در قبال مجلس پاسخگو و مسئول باشد تا به این صورت حکومت به حقوق و آزادی‌های مشروع ملت که توسط نمایندگان آن‌ها تصویب شده است، احترام بگذارد. لذا وظیفه رای اعتماد به وزیران دولت و استیضاح آن بر عهده مجلس شورای ملی می‌باشد.

۳. مشورت دادن به قوه مشورت، و گذاشتن جلسات تخصصی در موضوعات و مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، از طریق مردم بسیاری از مشکلات موجود در جامعه را شناسایی و در رفع آن به دولت پیشنهاد و کمک دهد.

این کارکردها نمایندگانی را می‌طلبد که متناسب با آنها باشد. و در این روند الزام به «بایدها» زیر ضرورت می‌یابد.

## بایدها

### انتخابات و برنامه محوري

يکي از اهداف و ملاکاتي که مي‌تواند در یک انتخابات کارآمد، مد نظر قرار گیرد، برنامه‌هاي سازنده و اهداف و ایده‌هاي درست و اساسي نمايندگان مي‌باشد. مردم به این نکته باید توجه داشته باشند که کدام نامزد انتخابات، برنامه‌هاي مدون، اساسي و دقيقی براي پیش‌برد اهداف مادّي و معنوي کشور و ملت دارد با چه برنامه‌هايي درصدد دفاع از حقوق مردم، وضع قوانين اساسي کارساز براي پیش‌برد امور کشور هستند.

البته این مهم، در شرایط کنونی براي انتخابات مجلس شوراي ملي، این وظیفه را از دولت مي‌طلبد که دولت زمینه‌هاي شفاف سازي، بيان دیدگاه‌ها و صف‌بندی‌هاي تشکیلاتي هر یک از نامزدها را براي عموم مردم فراهم کند تا مردم با برنامه‌ها آشنا گردد عدم باعث نگردد که افراد با استفاده از شهرت و قدرت مالي خود، مانع ارائه برنامه‌هاي سازنده دیگر نامزدها گردد. و برنامه محوري نوعي آموزش سياسي به مردم است، که سبب مي‌گردد، مردم تکلیف خود را با نامزدها معین کند، تا در ان دوران نمايندگي، ميزان عمل نمودن، رانه و اجراي برنامه‌هاي او در دفاع و احقاق حقوق مردم، معین گردد. در غير این صورت همواره با نوعي انتخابات احساسسي و هیجاني روبرو خواهیم بود و هر نامزدي در فرصت تبلیغاتي مي‌تواند، شعارهاي جذاب و مردم پسند ولو انحرافي سر دهد و قلوب مردم و افکار عمومي ا به نفع خود مصادره نماید این مسأله را هر عقل سلیمی تأیید مي‌کند که داشتن طرح و برنامه خوب، مدون و اساسي براي مهم‌ترین نهاد قانونگذاري مملکت، ازجانب هر یک از نامزدهاي انتخابات مجلس شوراي ملي، یکی از ضروریات و مهمات بوده و قابل توجه مي‌باشد.

### انتخابات و فن سالاري

يکي از کارکردهاي مهم مجلس شوراي ملي، وضع قوانين براي ادارهي امور جامعه مي‌باشد این کار مي‌طلبد که متخصصان و فن‌سالاراني به این جرگه بپیوندند که در رشته‌اي از امور مهم مملکتی تخصص داشته و سرآمد باشند. طبیعی است که يك نفر نمی‌تواند در تمام موضوعات و مسائل جاري کشور صاحب‌نظر باشد، ولي توقعي منطقي خواهد بود که گروه و تشکلي باید در جمع نامزدهاي معرفي شده‌شان داراي تخصص‌ها و توانايي‌هاي مختلف باشد. اگر تنظیم لیست نامزدهاي انتخاباتي با این دیدگاه صورت گیرد، آنگاه انتخاب شدگان داراي آگاهی‌ها و تخصص‌هاي متعدد مورد نیاز براي راهبري امور جاري کشور خواهند بود. درحال حاضر، اغلب کسانی که در صحنه انتخابات حضور مي‌یابند، افراي سياسي هستند که وزن سياسي آنان مهم‌ترین عامل براي حضور در انتخابات است. اگرچه دارا بودن گرایش و دیدگاه‌هاي سياسي امري لازم و بدیهي است، ولي حوزه‌هاي غير سياسي نیز در جاي خود داراي ارزش و اهمیت مي‌باشند. براي مثال حوزه‌هاي حمل و نقل بهداشت و درمان امور زراعي و کشاورزي و مسکن از موضوعاتي هستند که نیاز به افراد کاملاً" متخصص و کار آشنا دارند. با این وجود لازم است تا در صحنه انتخابات افراي که نگاهی کارشناسانه به امور غيرسياسي کشور داشته باشند و بهترین راه حل براي رفع این مشکل، ورود گروه‌ها و تشکلي‌هاي صنفی و علمي به عرصه انتخابات است. مسلم است که در صورت انتخاب شدن فردي از اعضاي این تشکلي‌ها مي‌توان انتظار داشت که با اشرافي که به آن حوزه دارد، در تصمیم‌گيري‌ها نقش مثبت ایفا کنند.

## انتخابات و مشارکت سیاسی زنان

امروزه به هیچ کسی پوشیده نیست که زنان در جوامع توسعه یافته، همپای مردان در بحران‌ها و شرایط سخت اجتماعی و محیطی حرکت کرده‌اند و در حیطه‌کاری، ویژگی‌ها و صفات ذاتی خود، دارای توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی منحصر به فردی می‌باشند که می‌توان از آنها در راستای تحقق اهداف کلان اجتماعی، استفاده کرد. لذا حضور آنان در صحنه‌های مختلف بیش از پیش ضروری می‌نماید. ولی متأسفانه به علل مختلف فرهنگی و اجتماعی و ... شرایط این امر در جامعه افغانستان فراهم نبوده است، لکن با تصویب قانون اساسی جدید تاحدودی زمینه حضور آنان در اجتماع، محقق شده است، اگرچه ممکن است در ابتدا با چالش‌ها و کمبودهایی مواجه باشند، ولی این ویژگی را خواهد داشت که نوعی فرهنگ مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی از جمله حضور در مجالس و محافل تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری، را محقق می‌کند. تردیدی نیست که «مشارکت» شرط لازمی در توسعه سیاسی و زنان به عنوان بخش مهمی از بدنه اصلی اجتماع را، نمی‌توانیم از گردنه مشارکت و تلاش، رقابت فکری و سیاسی در عرصه اجتماع در راستای اهداف کلان اجتماعی محروم کرد. خوب است که این نکته همین جا بیان گردد که عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین مشکل زن امروز جامعه ما، نوع نگاهی است که در جامعه نسبت به زن وجود دارد، نگاهی که زنان نسبت به خود دارند و نگاهی که مردان جامعه نسبت به آنان دارند، یعنی ضعف باور یا عدم باور، عدم اعتماد به نفس زنان نسبت به وجود خود و در عین حال نگاه محقرانه و غیر کریمانه مردان نسبت به زنان است که البته محدود به جامعه هم ما نیست، ولی درجات و اندازه‌هایش در کشورهای مختلف فرق دارد و بروز آن در رفتارهای اجتماعی متفاوت است. لذا تلاش برای حل مشکلات زنان باید تلاش فرهنگی باشد، تلاش حقوقی و اقتصادی در مرتبه‌های بعدی قرار دارد.

## انتخابات و شایسته‌سالاری

باتوجه به اینکه نمایندگان دارای حقوق، مزایا و مصونیت‌های قابل توجهی می‌باشند، بدیهی است که تصدی این مقام برای جمع قابل توجهی از مردم جذاب است. جمعی به خاطر بهرمندی از این امکانات و جمعی برای ارائه خدمت و انجام تکلیف، خود را نامزد می‌نمایند. بدیهی است که این رسالت مهم تنها از عهده نخبگان ملت بر می‌آید، بنابراین باید تمهیداتی اندیشید که نامزدهای غیر صالح به نحوی از عرصه انتخابات و میدان بیرون رانده شوند، در کشورهای دموکراتیک این نکته مهم مد نظر بوده است و ما شاهد صافی‌های مختلفی می‌باشیم که نهایت جریان انتخابات را به سوی انتخاب شایستگان توسط مردم هدایت می‌کند، به همین دلیل راهکارهایی را برای رسیدن بدین مهم می‌توان ارائه داد که عبارتند از:

۱- صافی تأیید صلاحیت

۲- صافی کنترل تبلیغات انتخاباتی

۳- صافی کنترل خروجی نظام انتخاباتی

## صافی تأیید صلاحیت

اولین راهی که به ذهن می‌رسد این است که یک صافی در ورودی سیستم بگذاریم و بدین وسیله از نامزد شدن افراد غیر شایسته جلوگیری کنیم و اغلب کشورهای غربی چنین تجربه‌ای را در انتخابات خود داشته‌اند، در فرانسه برای اینکه نامزدهای فرد جهت تصدی مقام نمایندگی مردم رسمیت یابد، لازم است حدود ۵۰۰ نفر از نمایندگان اعم از نماینده مجلس، شورا و...، او را تأیید کرده

و به عبارتی پای طومار او را امضا کرده باشد. این ۵۰۰ نفر باید لاقلاً از ۳۰ استان مختلف کشور باشند و از هر استان بیش از ۵۰ امضاء نمی‌شود جمع کرد، لذا تنها کسانی که صلاحیت خود را در حد کشوری به نمایش گذاشته باشند به عنوان نامزد مطرح خواهند شد. البته این مثال بیش‌تر در مورد نامزد ریاست جمهوری مصداق دارد، ولی در سطح محدودتری در مورد نامزدهای مجلس شورای ملی نیز می‌توان از آن سخن به میان آورد که از نظر ما هر نامزد می‌بایست برای ثبت نام در انتخابات اول از همه به تأیید و امضای معتمدین محل و سرشناسان منطقه برسد، تا راه نفوذ افراد نالایق بسته گردد.

### صافی کنترل تبلیغات انتخاباتی

مرحله بعدی اینست که از میان افراد صالح تأیید شده، صالح‌ترین انتخاب شوند، به عبارت دیگر چه کنیم تا شایستگی‌ها در پرتو مسائل حاشیه‌ای انتخابات نادیده گرفته نشود؟ بحث کنترل تبلیغات و هزینه‌های تبلیغاتی به عنوان مهم‌ترین عاملی که ضامن سلامت انتخابات می‌باشد، در این موضوع طرح می‌گردد. همه می‌دانیم که تبلیغات بهتر به معنای داشتن شانس در عرصه‌ی انتخابات و رقابت می‌باشد، تبلیغات خوب محتاج صرف هزینه قابل توجهی می‌باشد که ضرورتاً در اختیار همگان قرار ندارد، به عنوان مثال در آمریکا حدود یک پنجم از اعضای کنگره میلیونرها می‌باشند.

در سال ۱۹۹۴ نیز با توجه به آمارهای موجود، معلوم می‌شود از ۳۵ کرسی مجلس سنای آمریکا ۳۱ کرسی متعلق به کسانی است که بیشترین هزینه را برای انتخابات کرده بودند، بنابراین میزان هزینه‌های انتخاباتی از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین خاطر در هر دوره شاهد افزایش آن می‌باشیم که حکایت از توجه روز افزون به این حوزه دارد، لذا برای فراهم شدن بستر مناسب برای انتخابات و حل این معضل به ناچار بایستی به تجربه کشورهای دیگر که به شکل صافی کنترل تبلیغات انتخاباتی نمود پیدا کرده است بپردازیم. در کشورهای اروپایی دولت‌ها به طور جدی وارد بازار انتخابات شده‌اند و نقش دولت در این بازار به دو شکل مهم منحصر است:

### نقش اول: تعیین سقف مالی

مطابق قانون انتخاباتی در این کشورها، نامزدها آزاد نیستند تا به هر میزانی که مایل بودند، برای تبلیغات هزینه نمایند، قانون با توجه به عواملی از قبیل جمعیت و شرایط سیاسی اجتماعی سقفی را مشخص می‌سازد که تمامی نامزدها موظف به رعایت آن هستند و در صورت تخلف مورد بازخواست قرار می‌گیرند.

### نقش دوم: اختصاص سوبسید برای تبلیغات

در بعضی از کشورها دولت مردان به این نتیجه رسیده‌اند که برای حفظ سلامت انتخابات و کمک به شایسته‌گانی که از امکانات مالی خوبی برخوردار نیستند، باید بخشی از هزینه و تبلیغات را دولت تقبل کرده و سوبسید بپردازند، این کار نتیجه خوبی دارد و آن اینکه نامزدها دیگر لازم نیست، جهت تأمین پول مورد نیاز، خود را وام دار شرکت‌ها، مؤسسات اعتباری و صاحبان سرمایه‌های کلان نمایند. بلکه دولت نیاز مالی آنها را برطرف می‌سازد.

اما در کشور ما که دولت منابع محدود مالی دارد، راهکارش اینست که امکانات رادیو تلویزیونی و تبلیغاتی مساوی در اختیار آنها قرار داده شود. و در هر ولسوالی و ولایت از طریق رادیو و تلویزیون محلی در ساعات خاص و محدود با توافق و برنامه‌ریزی سالم به ارائه برنامه‌های خود بپردازند. این طرح، علاوه بر اینکه جلوی اسراف‌های تبلیغاتی را به شکل قابل توجهی

می‌گیرد، نامزدها را از قید و بند صاحبان سرمایه خارج می‌سازد. و همان بحث‌های ضرورت فن سالاری و برنامه محوری در این جا نمود پیدا می‌کند و بهتر می‌تواند در این شرایط قابل عرضه باشد و سلامتی و کارایی انتخابات را تأمین کند.

### صافی کنترل مجریان نظام انتخاباتی

با طراحی و صافی قبل، معمولاً سلامت انتخابات تا میزان زیادی تضمین می‌شود، بدین ترتیب که هر کسی نمی‌تواند، ادعای نامزدی نماید و از طرفی راه برنامه‌ها و حاکمیت پول سالاری در عرصه انتخابات بسته می‌شود.

با این حال باید دید آیا می‌توان مجریان نظام انتخاباتی را به خود و نهاد، یا اینکه لازم است، در خصوص نتایج حاصله نیز حساس بود، ظاهر این سخن قدری غیر دمکراتیک به نظر می‌رسد، ولی اگر به ضرورت شایسته سالاری و سرکار آمدن خیره و کسانی که صاحب اندیشه، تجربه در امور اجتماعی، دانش سیاسی و تخصص کافی، پی برده باشیم، وجود این صافی را نیز می‌پذیریم. این صافی معمولاً تحت عنوان، قوانین نظارت بر نظام انتخاباتی کشور، پدیدار شده است و عمل می‌کند. نظام انتخاباتی هر کشور تعیین کننده چگونگی آرایش نیروهای سیاسی در آن کشور است.

### امیدها

افغانستان بعد از گذار از سه دهه جنگ؛ خونریزی، تحمل خسارات مادی و معنوی فراوان در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی، اینک بعد از گذشت کمتر از سه سال با تصویب قانون اساسی و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، می‌رود که روند جدیدی را در عرصه پی‌ریزی و سازندگی ساختارهای حکومتی و اجتماعی و فرهنگی خود بردارد و در این میان آنچه که امید می‌رود ما شاهد اقبال عمومی، حداقل در سطح اقبال از انتخابات ریاست جمهوری، در انتخابات مجلس شورای ملی نیز، خواهیم بود. لذا با درایت و تجربه سال‌ها نابسامانی و شناخت دوست از دشمن و از همه مهمتر تحلیل رفتن قوای تخصصی گروه‌های مدعی، یک عزم عمومی فزاینده‌ای در جهت بازسازی همه جانبه عرصه‌های ملی هستیم. در کل جامعه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که چیزی برای خراب کردن دیگر وجود ندارد و زمان ساختن سرزمینی رسیده است که می‌بایست خیلی وقت پیش به فکر ساختن آن می‌بودند. لذا در این اوضاع و احوال با در نظر گرفتن تمامی شرایط امید می‌رود که یک انتخابات کارآمد و کارساز را انشاءالله در سطح ملی شاهد باشیم. اما آنچه باعث امیدواری برای مردم شیعه در سطح خاص، وجود دارد، در دو سطح قابل طرح می‌باشد:

۱- ردم ما بعد از تحمل سختی‌ها و محرومیت‌های فراوان در طول ادوار گذشته، در این زمان با توجه به آنچه مصوب قانون اساسی جدید گردیده است، تا حدودی به حقوق اساسی خود رسیده است، یا لاقلاً بر روی کاغذ آمده و مورد قبول گروه‌ها و اقوام رقیب قرار گرفته است و این می‌تواند زمینه‌ساز استفاده از فرصت‌هایی باشد که بستگی تام به هماهنگی و وحدت تمامی گروه‌های همسو و اقشار مردمی باشد که در طول دوران دردهای مشترک فراوانی داشته‌اند. در این زمینه می‌توان به رسمیت شناخته شدن مذهب جعفری «اثنی عشری» و حقوق شهروندی داشتن همه اتباع افغانستان و برخورداری همه اتباع از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همه مناصب، حتی بالاترین مقام ممکن کشوری (اگر چه انتقادات جدی در این زمینه وجود دارد) و همچنین داشتن نمایندگانی در مجالس شورای ملی و سایر مجالس معتبر تصمیم‌گیری و... بر اساس تعداد نفوس هر ولسوالی و ولایات و... و سایر زمینه‌ها که مجال بحث آنها نیست.

لذا بانظر داشت همه این موارد، می‌توان از این فرصت بدست آمده کمال استفاده را در راه تحقق اهداف خود نمایم و این

می‌طلبید که ما در بین گروه‌های خودی، در این انتخابات پیش رو این «بایدها» را رعایت کنیم. و از اختلافات و تنگنظری‌ها و بی‌برنامه‌گی‌ها و... شدیداً بپرهیزیم.

۲- امروزه با توجه به شرایط خاص افغانستان، و توجه مجامع، نهادها، کشورهای خارجی و از همه مهم‌تر موقعیت سوق‌الجیشی و منحصر به فرد افغانستان و داشتن منابع و ذخائر معدنی بکر و فراوان مادی، داشتن فرصت‌ها، مناصب و موقعیت‌های فراوان و کارآمد شغلی در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و... بستر بسیار مناسب برای فعالیت و برنامه‌ریزی‌های اساسی در همه زمینه‌ها برای خدمت صادقانه به مردم، برای فرهنگیان و اقشار با سواد و تحصیل‌کرده ما فراهم آمده که این انتخابات یک مجرای مناسب و پل عبور و رسیدن به آن موقعیت‌ها می‌باشد که باید مردم ما و هم اقشار با سواد و تحصیل‌کرده ما به نحو احسن از این موقعیت استفاده نمایند. مردم با شرکت پر شور و رعایت ملاک‌ها و «بایدها» به افرادی با صلاحیت و کاردان رای داده و افراد منتخب هم واقعاً به فکر مصالح مردم باشند.

#### منابع

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان .
- ۲- خمینی، روح الله، ویژگی‌های انتخابات سالم نماینده شایسته، مجلس مقتدر از دیدگاه امام خمینی(ره)، انتشارات تسنیم، قم، ۱۳۷۸.
- ۳- فنایی اشکوری، محمد، منزلت زن در اندیشه اسلامی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ۱۳۷۷.
- ۴- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۵- مصباح یزدی، محمد تقی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ فاضل، ۱۳۸۰.
- ۶- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۸.
- ۷- معرفت، محمد هادی، ولایت فقیه، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، ۱۳۷۷.